

چندان دیگر نیز از طرف پیغمبر «ص» بکارهای نویسنده گی مامور میشدند.

پیغمبر «ص» جمعی از یاران را که نوشتن از آنان ساخته بود بنوشتن قرآن و امیداشت از اینرو این اشخاص بنام «کتاب وحی» مشهور شده و چنانکه نقل شد در میان ایشان علی و زید بن ثابت بیش از دیگران باین کار متوجه و مکلف بوده اند.

آیاتی که نازل میشد پیغمبر «ص» میفرمود تا نویسندگان وحی آنرا بنویسند ایشان آن آیات را بحسب دستور پیغمبر «ص» بر روی شانه شتر و گوسفند و بر سنگهای نازک پوست درخت خرما و مانند اینها مینوشتند و چنانکه در روایت وارد شده خود پیغمبر «ص» جای هر آیه را معین میفرمود پس هر آیه ای در موضعی که برای آن معین شده بود نوشته میشد لیکن این نوشته ها که بدین ترتیب ضبط میگشت در یکجا و یک مجموعه جمع آوری نشده بود.

پیغمبر «ص» در نوشتن قرآن اهتمام میفرموده و هم بمردم لزوم حفظ آنرا گوشزد میکرده است. یاران و پیروان نیز در ضبط و حفظ قرآن مجید همت میورزیده و چون آیه یا سوره ای را فرامیگرفته اند چندین بار تکرار میکرده و بر خود پیغمبر «ص» میخوانده و از وی صحت محفوظات خویش را میپرسیده و تصدیق میخواستند.

مرحوم ابو عبدالله زنجانی در کتاب «تاریخ القرآن» خود از کتاب «تذکره الحفاظ» ذهبی نقل کرده که وی روایتی از خارجه بن زید از پدرش بدین مضمون آورده که پدرش گفته است «پیغمبر «ص» بمدینه وارد شد و من هفده سوره که یاد داشتم بر وی خواندم پیغمبر «ص» خوشش آمد و فرمود: «یا زید تعلم کتابه یهود فانی ما آمنهم علی کتابی» (کتابت

یهود را بیاموز چه من من بر کتاب خود از ایشان ایمن نیستم) «پس من در پانزده روز آنرا آموخته و در آن کتابت حذاقت بهم رساندم»

در همان کتاب از کتاب «الافکار الایکار» ابوالحسن علی آمدی «متوفی در ۶۱۷ ه. ق.» نقل شده که بسیاری از اهل اسلام قرآنرا حفظ میکرده و بدیگران میآموخته و انتشار میداده و از ابن لحاظ گروهی بنام «قرآء» خوانده میشده اند و همه آنان محفوظات خود را بر پیغمبر «ص» میخوانده اند بعلاوه برخی هم برای خود قرآنرا امینوشته و بر پیغمبر «ص» عرضه میداشته اند

باز از کتاب «الافکار الایکار» نقل شده که مصاحفی که در زمان صحابه مشهور بوده همه آنها بر پیغمبر «ص» عرضه شده و نزد وی قرائت گردیده است.

ابو محمد حسین بن مسعود بغوی «متوفی در ۵۱۶ ه. ق.» در شرح «سنت» بطوری که مرحوم زنجانی از وی نقل کرده گفته است: زید بن ثابت آخرین باری که قرآن بر پیغمبر «ص» عرضه شده و منسوخ و غیر منسوخ آنرا بیان فرموده در آنجا حاضر بوده و برای پیغمبر «ص» نوشته و بروی قرائت کرده و همانرا نازنده بوده بر مردم میخوانده است از اینجهت خلیفه اول و دوم بر جمع و تدوین او اعتماد کرده و خلیفه سیم هم نوشتن مصاحفرا بعهده وی محول داشته است.

در سبب گرویدن عمر بدین اسلام آورده شده که مردی از قریش بطور نکوهش و سرزنش بوی گفته است «خواهرت از دین تو بر گشته است» یعنی اسلام آورده است پس او بخانه خواهر رفته و چنان بر خواهر خویش طپانچه نواخته که سروی شکسته و مجروح گشته است. چون خشمش

فرو نشسته چشمش در گوشه خانه بر ورقی افتاده که در آن نوشته بوده است :  
 « بسم الله الرحمن الرحيم : سبح لله ما في السموات والارض . . . تا . . .  
 ان كنتم مؤمنين » باز صحیفه دیگری را در آنجا دیده که در آن  
 نوشته بوده است « بسم الله الرحمن الرحيم طه ما انزلنا عليك القرآن لتشقى . . .  
 تا . . . له الاسماء الحسنى » پس عمر میجذوب بلاغت این آیات شده  
 و بتفصیلی که نقل شده بحضور پیغمبر «ص» رسیده و اسلام آورده است .  
 از این داستان بخوبی معلوم میگردد که قرآن مجید از همان اوائل نزول  
 در صحیفه ها و اوراقی نوشته شده و نزد اشخاص علاقه مند هم و بیش از این  
 اوراق و صحیفه ها وجود میداشته است .

ابن ندیم در کتاب « الفهرست » خود هشت تن از یاران  
 پیغمبر «ص» را که نخستین آنان علی «ع» میباشد نام برده و گفته است هر يك  
 از ایشان در زمان پیغمبر «ص» بجمع قرآن پرداخته اند . از کتاب « قرآت »  
 ابو عبیده نقل شده که گفته است : برخی از صحابه قرآنی را که در زمان  
 حیات پیغمبر «ص» جمع کرده و ناتمام مانده بوده است پس از رحلت آن  
 حضرت تکمیل نموده اند .



بطور خلاصه آنچه از اخبار و سنن و تواریخ و سیر استفاده میشود  
 این است که قرآن در زمان پیغمبر «ص» نوشته و جمع شده است و علاوه بر  
 اینکه کسانی بطور کامل همه آنرا نوشته و جمع کرده یا بطور ناقص  
 قسمتی از آنرا فراهم آورده و بعد تکمیل نموده اند . قرآنی با امر  
 پیغمبر «ص» و در حضور و بدستور آن حضرت نوشته و جمع گردیده است  
 لیکن این نوشته ها ، که اگر از لحاظ سوره ها مرتب است بطور قطع ،

نبوده از لحاظ آیات، منظم و مرتب بوده است در صحیفه ها و اوراقی از هم جدا بوده نه بصورت يك كتاب، و با اصطلاح «صحیفه» بوده است نه «مصحف» کیفیت جمع قرآن در زمان خلیفه اول:

پس از اینکه پیغمبر «ص» رحلت کرده است علی «ع» نخستین کسی بوده که بحسب وصیت پیغمبر «ص» بجمع قرآن پرداخته است. از سلیم بن قیس هلالی نقل شده که علی علیه السلام پس از رحلت پیغمبر «ص» در خانه نشست و بجمع و تالیف قرآن مشغول شد و از خانه بیرون نیامد تا همه آنرا جمع و مرتب کرد. قرآن علی «ع» بطوری که گفته شده بر تاول و تفسیر بعضی از آیات مشتمل بوده و در آن قرآن آنچه منسوخ شده بر ناسخ مقدم قرار یافته است.

احمد بن ابی یعقوب مشهور ببعقوبی (متوفی در حدود ۲۷۸ هـ.ق) در تاریخ خود چنین نوشته است: برخی گفته اند که پس از رحلت پیغمبر «ص» علی علیه السلام قرآنرا جمع و آنرا بر شتری باز کرده و گفته است «این است قرآن که من آنرا جمع و گردادم» آنگاه بعقوبی نوشته است که علی علیه السلام قرآنرا به هفت جزء تقسیم کرده است بعقوبی صورت و ترتیب آن هفت جزء را موافق جمع و تالیف علی «ع» در کتاب خود آورده است.

ابن ندیم در کتاب «الفهرست» پس از اینکه باسنادی از علی «ع» نقل کرده که چون دیده است مردم پس از رحلت پیغمبر «ص» اظهار بدبینی میکردند و اندسو کند یاد کرده که تا قرآن را جمع نکنند در داء از دوش نیفتند آنگاه سه شبانه روز در خانه نشسته و قرآن را جمع کرده، چنین گفته است: نخستین مصحفی که قرآن در آن جمع شده همان است که علی

علیه السلام آنرا فراهم آورده و آن در خانواده حضرت صادق «ع»  
میبوده است . من در زمان خودم مصحفی را بخط علی «ع» که چند  
برگ آن افتاده بود نزد ابی بعلی حمزه حسنی، رحمه الله دیدم که بمرور  
زمان در دست اولاد حضرت حسن علیه السلام بطور توارث دست بدست  
شده است .

در سال اول خلافت ابی بکر جنک بیمامه پیش آمد . سیلمه، که  
از زمان حیات پیغمبر اکرم ادعای پیغمبری نموده و کاری از پیش نبرده  
بود و اینک که بخیال خود راه برای رواج باطل خویش هموار میدید، سر  
برداشته و مرد مرا بخود میخواند. گروهی بوی گرویده و در پیرامن او  
جمع شده بودند جمعی از مسلمین برای جنک باوی بیمامه رفتند در این  
جنک که به پیروزی مسلمین و کشته شدن سیلمه پایان یافته هزار و  
دویست تن از اهل اسلام بشهادت رسیده که هفتاد یا هفتصد تن ایشان از  
قرآء و حافظان قرآن بوده اند.

کشته شدن این عده از حافظان قرآن، در پیروان اسلام سخت  
تأثیر کرده است از جمله عمر چون از کشته شدن قرآء آگاه شد باین اندیشه  
فرو رفت که شاید جنگهایی دیگر پیش آید و کم کم حافظان قرآن  
کشته و نابود گردند و در نتیجه قرآن بجید که جز حافظه آنان در جائی  
دیگر بصورت جمع در نیامده از میان برود پس با خلیفه اول دیدار کرد و  
اندیشه خود را باو باز گفت و از وی بخواست که جمع و تدوین قرآنرا  
دستور دهد خلیفه از پذیرفتن این خواهش خودداری کرد و گفت «چگونه من  
بکاری دست زدم که پیغمبر «ص» نکرده و بما نیز دستوری نداده است . . . ؟»

عمر از اندیشه خود بشکست و چندین بار در این زمینه با ابوبکر

سخن بمیان آورد و بوی میگفت « بخدا سوگند! این کاری است نیک » تا در فرجام بروی ثابت کرد که صلاح امت در این است که او را قرآن در یکجا جمع گردد و بصورت « مصحف » در آید.

چون خلیفه با عمر در این موضوع هم‌رای و همراه شد زید بن ثابت را که از نویسندگان وحی بود بفرمود تا قرآن را جمع آوری و تدوین کند. زید گرچه نخست سرازیر بر این فرمان باز زد لیکن عاقبت او نیز رای خلیفه و عمر را بیسندید و فرمان را بپذیرفت و آیاتی را که صحابه تدوین کرده بودند و عتفرق بود جمع کرد.

بر نگارنده بطور تحقیق معلوم نیست که آیا در آن هنگام فقط يك نسخه جمع و تدوین شده بایستتر؟ و آیا همان نسخه بدست حفصه دختر عمر سپرده شده که بعد عثمان از وی گرفته است یا غیر آن! لیکن آنچه محقق و معلوم میباشد اینست که در این جمع و تدوین نهایت دقت بعمل آمده است. کسانی که آیه‌ای نوشته یا حفظ داشته‌اند می‌آورده و میخوانده اند آنگاه از صحابه، که هنوز حافظان زیادی در میان ایشان وجود داشته، کسانی بر صحت و مطابقت آن شهادت میداده یعنی در حقیقت تصدیق میکردند که آن نوشته (یا محفوظ) در سال اخیر حیات پیغمبر بروی عرضه شده و بنظر مبارکش رسیده است. از آن پس که بهیچگونه راه توهم ابرادی باقی نمیمانده، بوسیله زید جمع و تدوین میشده است.

کیفیت تدوین قرآن در زمان خلیفه سیم:

دوره خلیفه اول و دوم سیری شد نوبه خلافت عثمان رسید و کشور اسلامی توسعه یافت، پیروان اسلام که « قراء » نیز هنوز در میان آنان وجود داشتند در مصر و شام و عراق و ایران و افریقا پراکنده